

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

فصلنامه علمی ـ پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی در چهارچوب رسالت‌های مجمع عالی علوم انسانی اسلامی و با محوریت مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا منتشر می‌شود.
سال نهم / شماره ۳ / شماره پیاپی ۳۲ / پاییز ۱۴۰۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: عطاءالله رفیعی آتانی
سردبیر: احمدحسین شریفی
مدیر اجرایی: سیدمهدی موسوی
بازبین نهایی: سیدمهدی موسوی
ویراستار: فاطمه گلچین و حمیدرضا عرفانی‌فر
صفحه‌آرا و طراح جلد: مهناز شاه علی‌زاده

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا: سعید بهشتی (استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.)، سید محمدرضا تقوی (استاد گروه روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز. شیراز. ایران.)، عطاءالله رفیعی آتانی (استادیار گروه مهندسی پیشرفت اقتصادی دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران. ایران.)، احمدحسین شریفی (استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). قم. ایران.)، نجف لک‌زایی (استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، سید حسین میر معزی (دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم. ایران.)، حسن آقا نظری (استاد گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)

اعضای مشورتی هیئت تحریریه: حسین بستان (دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، سید احسان رفیعی علوی (دانشیار گروه فقه مضاف دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، محمد کاویانی آرانی (دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، محمدجواد نوروزی (استاد گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره))، جاوید اقبال (استاد دانشگاه اسلامی علیگر. هند.)، طلال عتریسی (استاد دانشگاه بیروت. لبنان.)

چاپ و صحافی: تهران، چاپخانه میران.
نشانی دفتر فصلنامه:
تهران: خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد، نبش کوچه هشتم، پلاک ۲۳ طبقه سوم
کدپستی: ۱۵۸۷۸۱۳۱۱۶.

تلفن: ۹۶۶۵۷۸۰۱-۰۲۱
قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ تومان
نشانی اینترنتی: frh.sccsr.ac.ir **پست الکترونیک:** frh@sccsr.ac.ir

ISSN: 2476-745X
E-ISSN: 2783-1418

مجمع عالی علوم انسانی اسلامی

فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی به استناد ماده واحده مصوب مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و براساس مصوبه ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۶/۲۴ شورای عالی حوزه های علمیه، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه از شماره ۱۵ به بعد حائز رتبه علمی ـ پژوهشی شد. رتبه علمی ـ پژوهشی این فصلنامه با درجه «ب» در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ تمدید شده است.

ـ مقالات و مطالب منتشرشده در فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.
ـ فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
ـ نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]



| سال نهم | شماره ۳ | شماره پیاپی ۳۲ | پاییز ۱۴۰۲ |

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

بسمه تعالی

فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی به‌منظور تولید علم در قلمرو فلسفه و روش‌شناسی و نظریات بنیادین علوم انسانی به‌طور عام و نیز رشته‌های تخصصی علوم انسانی نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت، حقوق، تاریخ، تعلیم و تربیت، هنر و معماری و غیره با لحاظ نگاه نقادانه به نظریات موجود و در چهارچوب مبانی و معارف اسلامی منتشر می‌شود.
لطفاً به هنگام تنظیم مقالات موارد ذیل رعایت شود:

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- مقالات ارسالی به فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا هم‌زمان جهت انتشار به همایش‌ها یا نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- نویسنده باید مقاله را از طریق سامانه بارگذاری کند. به مقالات ارسالی از طریق ایمیل ترتیب اثر داده نخواهد شد.

قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

مقالات باید در یکی از قالب‌های: پژوهشی (تحلیل، تطبیق، نقد) یا نقطه‌نظر (دیدگاه مستدل و تحلیلی نویسنده پیرامون یک مسئله خاص) باشد. مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری و گزارشی و ترجمه معذور است.

حجم مقاله

تعداد واژگان مقاله (با احتساب فهرست منابع): بین ۴۵۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه
تعداد کلیدواژه‌ها: ۵ تا ۸ کلیدواژه
تعداد واژگان چکیده: ۱۵۰ تا ۲۵۰ واژه

نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان

- تعداد نویسندگان مقالات نباید بیش از سه نفر باشد.
- وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوهای ذیل در فایل word درج شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

○ **اعضای هیئت‌علمی**

رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

○ **دانشجویان**

دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

○ **افراد و محققان آزاد**

مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی

○ **طلاب**

سطح (دو، سه، چهار)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/ مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.

- نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده موردنظر درج شود.
- فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.

ساختار مقاله

بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. عنوان مقاله که لازم است اولاً مسئله‌محور باشد و ثانیاً، گویای محتوای مقاله باشد.

۲. نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان

۳. چکیده: چکیده باید در عین اختصار، بیانگر مسئله اصلی پژوهش، روش پژوهش و یافته‌ها و نتایج پژوهش باشد.

۴. مقدمه: [شامل تعریف مسئله، پیشینهٔ اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت طرح، جنبهٔ نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی و مفاهیم کلیدی مقاله باشد. در یک مقالهٔ علمی پژوهشی نویسنده در بخش مقدماتی مقاله لازم است دست‌کم پاسخ چهار سؤال را به‌صورت ضمنی بیان کند: چه می‌خواهم بنویسم؟ (تبیین مسئله). چرا می‌خواهم بنویسم؟ (اهمیت و ضرورت پرداختن به آن مسئله). چگونه می‌خواهم بنویسم؟ (روش پژوهش) و بر اساس چه بنیانی می‌خواهم بنویسم؟ (پیش‌فرض‌ها یا اصول موضوعه تحقیق)].

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

۵. بدنـــهٔ اصلی مقاله: (این بخش با توجه به مســـئله‌ای که در هر مقالـــه‌ای موردبحث قرار می‌گیرد می‌تواند متفاوت باشـــد؛ اما به‌طورکلی می‌توان گفت، مناسب است نویسندگان مقالات علمی پژوهشـــی در نظر داشته باشند که در این بخش لازم است: اولاً، مدعای خود را به‌صورتی شفاف بیان کنند. ثانیاً، دلایل اثبات مدعی و شواهد و قرائن آن را به‌وضوح و در شکلی منطقی و منسجم بیان کنند و ثالثاً، نقدهای وارد شده به دلایل یا مدعا را پاسخ دهند.

۶. نتیجه‌گیری: یکی از بخش‌های مهم هر مقاله‌ای بخش نتیجه‌گیری آن اســـت. نویســـنده در این بخش لازم است ضمن بیان واضح یافته‌های تحقیق، مشخص کند که چه نتیجه یا نتایج علمی، عملی، سیاستی، فردی، اجتماعی و امثال آن از مقاله تدوین شده انتظار می‌رود.

۷. کتاب‌نامه

درج پانویس، ارجاعات درون متن و کتاب‌نامه

*** روش استناد دهی: APA

درج پانویس

* از اشاره مستقیم / غیرمستقیم به نام نویسنده / نویسندگان مقاله در متن یا پاورقی خودداری شود.
* اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.
* از نقل‌قول‌های مســـتقیم و طولانی پرهیز شود (لازم است حتماً در مقاله مشخص باشد کدام بخش از متن، نقل‌قول مستقیم است).
* نقل‌قول‌های مستقیم حداکثر تا ۴۰ کلمه در درون علامت نقل‌قول "" و بیش از آن به‌صورت تورفتگی نوشته شود.

ارجاعات درون متن

* ارجاع به یک آیه از سوره قرآن: (بقره: ۵)
* ارجاع به نهج‌البلاغه: (نهج‌البلاغه: خطبه، ۵۰)
* به‌هیچ‌وجه ارجاعی در پانویس درج نشود.
* اطلاعات کامل ارجاعات درون متن حتماً باید در بخش کتاب‌نامه مقاله نیز درج شود.
* اســـتناد درون متن، داخل پرانتز، شامل (نام خانوادگی نویســـنده/ نویسندگان، سال انتشار، حرف ج شماره جلد: حرف ص شماره صفحه).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* درصورتی‌که از یک نویســنده در یک سال، دو اثر منتشر شده و در متن مورد استناد قرار گرفته باشد، پس از ذکر سال انتشار با حروف (الف و ب) برای منابع فارسی یا (a, b) برای منابع انگلیسی از هم متمایز شوند.
* اگر منبع مورد استناد، دو یا سه نویسنده داشت، نام خانوادگی هر سه باید ذکر شود.
* اگر تعداد نویســنده‌ها بیش از ســه نفر باشد، تنها نام خانوادگی نویسنده اول ذکر شده و پس از آن از عبارت «و دیگران» استفاده شود.
* اگر در متن به بیش از یک منبع استناد شده باشد، با نقطه‌ویرگول؛ از هم جدا می‌شوند.

کتاب‌نامه (فهرست منابع پایانی)

*** قرآن و نهج‌البلاغه به ترتیب در ابتدای کتاب‌نامه درج‌شده و در ردیف الفبایی قرار نمی‌گیرند.
* در بخش References که منابع به انگلیسی درج می‌شوند، نام خانوادگی نویسنده به‌صورت کامل، اما از نام نویسنده، صرفاً حرف اول درج می‌شود. مثال: Alston, W
* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* منابعی که در این بخش درج می‌شــوند، حتماً باید در متن استفاده شده باشند(منابعی که صرفاً برای مطالعه و آگاهی بیشــتر مخاطب در متن معرفی شده‌اند و در متن به آن‌ها ارجاع داده نشده، نباید در بخش کتابخانه درج شوند).
* نظم منابع باید براساس الفبای نام خانوادگی نویسندگان باشد.

نحوه ارجاع به مقالات

* نام خانوادگی، نام. ســال انتشــار. «عنوان مقاله». عنوان مجله (به‌صورت Bold). عدد دوره (عدد شماره). عدد صفحات آغازین و پایانی مقاله.
* برای درج عنوان مجله، نیازی به درج واژه‌های نشریه، مجله، فصلنامه، دو فصلنامه، ماهنامه نیست. مثال: پارسانیا، حمید؛ اژدری‌زاده، حسین. ۱۳۹۰. «تعین اجتماعی معرفت در نهج‌البلاغه». **اسلام و علوم اجتماعی**. شماره ۶. ص ۴۹-۷.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

نحوهٔ ارجاع به کتاب

* برای آثار فاقد محل نشر، ناشر و تاریخ نشر به ترتیب عبارت «بی‌جا»، «بی‌نا» و «بی‌تا» درج شود.
* نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان کتاب (به‌صورت Bold). ج (شماره جلد). چ (شماره چاپ). مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی. محل نشر: ناشر.

مثال: کنوبلاخ، هوبرت. ۱۳۹۰. **مبانی جامعه‌شناسی معرفت**. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی.

نحوهٔ ارجاع به یک مقاله از مجموعه مقالات

* نام خانوادگی، نام (نویسندگان مقاله). سال انتشار. «عنوان مقاله». عنوان مجموعه مقاله (به شکل Bold). (ج شماره جلد). (چاپ شماره چاپ) (مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی). محل نشر: ناشر، ص (درج شماره صفحات مقاله در مجموعه مقاله).

نحوهٔ ارجاع به یک منبع الکترونیکی

* نام خانوادگی، نام (پدیدآورندگان). سال انتشار. «عنوان مطلب». تاریخ انتشار. نام پایگاه اطلاعاتی. درج لینک مستقیم مطلب الکترونیکی.

مثال: خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۷۶. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت». ۱۳۷۶/۶/۲.
www.leader.ir/fa/speech/1466/www.leader.ir

جداول، نمودارها و تصاویر

- فایل تصاویر مقاله با کیفیت بالا ضمیمه‌ی مقاله شود (ارسال تصاویر پس از پذیرش مقاله و قبل از صفحه‌آرایی، از طریق ایمیل فصلنامه).
- لازم است جداول و نمودارهای مقاله قابلیت ویرایش داشته باشد و به‌صورت عکس ارسال نشود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

فهرست مطالب

۱۱ **امکان‌سنجی علوم انسانی قرآن‌بنیان**
مصطفی کریمی

۳۷ **حکمت متعالیه: سرشت نهادهای سیاسی و مدنی**
محمد پزشگی

۵۷ **ارتباط حکمرانی و فلسفه سیاسی در آرای فارابی**
نجمه کیخا

۷۱ **اطلاق و تقیید در وجوب اعتباری از منظر علامه طباطبایی**
مهدی سپهری، جواد محمودزاده

۸۵ **روش‌شناسی فلسفی علم مشاوره با نگاه به فلسفهٔ اسلامی**
محمد عجمین، مسعود آذربایجانی

۱۰۷ **روش‌شناسی و مؤلفه‌های یک چهارچوب اسلامی برای فهم فرایند تحول اجتماعی به‌مثابه رویکردی در اسلامی‌سازی علوم انسانی**
وحید مقدم

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ |

امکان‌سنجی علوم انسانی قرآن‌بنیان

مصطفی کریمی*
دانشیار گروه تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزشی و پژهشی امام خمینی (ره)، تهران، ایران
karimi@qabas.net

چکیده

علوم انسانی مجموعه دانش‌هایی اســت که به شناخت انسان و توصیف، تبیین و تفســیر پدیده‌های فردی و اجتماعی و جهت‌بخشــی به افعال و انفعالات انسانی می‌پردازند. علوم انســانی موجود براســاس مبانی غیرالاهــی و از منابع غیردینی شکل گرفته است و در رساندن انسان به سعادت، به‌ویژه در جوامع اسلامی توفیق چندانی نداشــته است؛ ازاین‌رو تولید علوم انسانی اســلامی به‌ویژه علوم انسانی قرآن‌بنیان ضروری است. تولید علوم انســانی بر مبانی خاصاستوار است که باید مســتدل شود. یکی از آن مبانی اساسی امکان تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان است. این نوشــته به هدف زمینه‌سازی تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان، مسئله «امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان» را به روش توصیفی-تحلیلی پژوهش می‌کند. یافته‌های تحقیق: ۱. ادله نشان می‌دهد، اولاً علوم انسانی جزء قلمرو قرآن است؛ ثانیاً، قرآن کارایی بیانی لازم برای تولید علوم انســانی را دارد؛ ۲. روش‌های برون‌متنی مانند «روش انتظار بشــر از قرآن» و «روش درونگری» و «بســط تجربه تاریخی قرآن» نارسا بوده و نمی‌توان با اســتفاده از آنها قلمرو قرآن را حداقلی نشــان داد و علوم انسانی را خارج از حیطه قرآن شــمرد؛ ۳. زبان قــرآن عرفی یا رمزی و یا صرف هنجاری نیست که نتواند کارایی لازم برای تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان را داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، قرآن‌بنیان، جامعیّت قرآن، معرفت‌بخشی گزاره‌های قرآن.

* https://orcid.org/0009-0005-6551-3418

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

مقدمه

علوم انســـانی در زندگی فردی و اجتماعی انســـان نقش مهمی دارد؛ ولی سوگمندانه نسخه رایج آن که در غرب مســـیحی تکون یافته و از بینش‌ها و جهان‌بینی‌های حاکم بر آن، به‌ویژه درباره انســـان، تأثیر پذیرفته است (ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، ج۲، ص۵۲۷)، نتوانسته این نقش را به‌خوبی ایفا کند و مســـیر ســـعادت را برای انسان‌ها هموار سازد. این ناتوانی در جوامع اســـلامی که مبانی و منابع معرفتی متفاوتی با آن‌ها دارد، بیشـــتر نمایان شده و ضرورت تولید علوم انسانی براساس منابع اصیل دین اسلام در این جوامع ضرورتی دوچندان یافته است.

مســـئله تولید علوم انسانی براساس منابع دینی در کشور ما که بعد از فجر انقلاب اسلامی آغاز شد، بعد از فروکش کردن چندســـاله تب‌وتاب آن، با یادکرد اهمیت آن از سوی مقام معظم رهبری دام‌ظله، جان دوباره گرفته و توجه مجامع علمی و دانشوران به آن معطوف شده است.

مبنا قرار گرفتن قرآن در تولید علوم انسانی ضروری است؛ زیرا از یک‌سو، علوم انسانی مربوط به انسان بوده و ابعاد وجودی و رفتار فردی و اجتماعی وی را بررسی می‌کند از سوی دیگر، خدایی که به تمام ویژگی‌های ظاهری و باطنی انسان آگاه است، بهتر از هرکسی می‌داند چگونه استعدادهای نهفته وی به فعلیت می‌رســـد و قرآن را برای راهنمایی انسان‌ها در ابعاد گوناگون زندگی فرستاده است: « ... قَدْ جَاءكم مِّنَ اللّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ؛ يهْدِي بِهِ اللّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلاَمِ وَيخْرِجُهُم مِّنِ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْـــتَقِيمٍ» (مائده: ۱۵ و ۱۶). حتی بومی‌سازی و کاربردی کردن علوم انسانی در جوامع اسلامی بدون توجه به آموزه‌های قرآن امکان‌پذیر نیست؛ زیرا فرهنگ آن بیش از هرچیز مرهون نگرش ویژه قرآن نسبت به انسان است. مقام معظم رهبری دام‌ظله دراین‌باره می‌فرمایند: «یکی از مســـائل مهم و اصلی در قرآن‌پژوهی، استخراج پایه علوم انسانی از قرآن است و اگر این کار انجام شـــود، پژوهشگران با استفاده از مبانی قرآنی و همچنین اســـتفاده از برخی پیشرفت‌های علوم انسانی، می‌توانند بنای رفیع و مستحکمی را از علوم انسانی پایه‌گذاری کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

تولید علوم انسانی از منابع دین اسلام ازجمله قرآن چند کار اساسی ذیل را می‌طلبد: اوّل. داشتن نگرش صحیح نســـبت به علوم انسانی که با شناخت دقیق ماهیت و نقد منصفانه آن حاصل می‌شود؛ دوم. پی‌ریزی مبانی صحیح. این مبانی چند دسته‌اند که عبارتند از: ۱. مبانی معرفت‌شناختی؛ ۲. مبانی هستی‌شناختی؛ ۳. مبانی ارزش‌شناختی؛ ۴. مبانی روش‌شناختی؛ ۵. مبانی دین‌شناختی (الهیاتی)؛ و ۶. مبانی انسان‌شناختی؛ سوم. شناسایی فرایند نظریه‌پردازی و تولید علوم انسانی اسلامی با استفاده از منابع اسلام و کاربست دقیق آن فرایند. مسئله امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان یکی از مسائل مطرح در مبانی دین‌شناختی و الهیاتی است و پیش از اقدام به تولید باید آن را مبرهن کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

پیشینه

تنها یک منبع یافت شـد که مسئله تحقیق را از نگاه علامه طباطبایی بررسی کرده است. برخی آثار نیز به شکل ضمنی این مسئله یا مقدمات آن را آورده‌اند:

۱. محمدعلی اسدی‌نسـب، در مقالهٔ «امکان علوم انسـانی اسـلامی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبایی»،[۱] عمده منکران امکان علوم انسـانی اسـلامی را مطرح می‌کند و پاسخ آنها را از آثار علامه طباطبایی بررسـی می‌کند. این ادله عبارتند از: تغایر علم و دین در روش، زبان، هدف، موضوع و مسـائل؛ و نیز ادعای تداخل حداقلی میان موضوعات دینی و علمی یا ادعای تضاد بین گزاره‌هـا. اولاً این ادله مربوط به علوم انسـانی اسـلامی بوده و برخی از آنها امکان علوم انسـانی قرآن‌بنیان را مطرح می‌کند. ثانیاً ادله منکران را پاسـخ می‌دهد که کافی نیست و باید بر امکان تولید علوم انسانی نیز استدلال کرد.

۲. مقالهٔ «علم دینی؛ امکان یا امتناع؟».[۲] دو مسـئله مطرح در این نوشته مربوط به امکان علوم انسـانی قرآن‌بنیان اسـت: یکی امکان جهت‌دار بودن علم و دوم عدم تعارض علم و دین به‌جهت اینکه قرآن منبع معرفتی معتبر بوده و می‌تواند حقایق را شناسایی و معرفی کند.

۳. مقالهٔ «امکان علوم انسانی اسـلامی از دیدگاه علامه محمدتقی مصباح و عطاس (مطالعه تطبیقی)».[۳] قسمتی از این مقاله در مسئله امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان قابل‌استفاده است؛

۴. مقاله «رابطه قرآن و علوم انسانی از دیدگاه علامه آیت‌الله مصباح یزدی.[۴] در این اثر مطالبی مختصر در باب امکان علوم انسانی قرآن بنیان یافت می‌شود.

۵. مقاله «مبانی ابتنای علوم انسانی بر متون دینی».[۵] بخشی از این نوشته علوم انسانی مبتنی بر متون دینی به شکل عام را آورده است که بنابر پژوهش ضرورت دارد.

علوم انسـانی (hunitimaes)، مرکب از دو واژه «علوم» و «انسـانی» اسـت. مفهوم لغوی «علم» در زبان فارسـی، روشـن و بی‌نیاز از توضیح اسـت و در اصطلاح به‌معنای مطلق معرفت (Knowledge) و منظومـه معرفتی (discipline) که مقصود در این مقاله اسـت، می‌باشـد.

۱. اسدی‌نسب، محمدعلی. ۱۳۹۶. «امکان علوم انسانی اسلامی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبایی». فلسفه دین. د۱۴، ش۳، پاییز، ص۵۱۷- ۵۴۳.

۲. نکونی سامانی، مهدی. ۱۳۷۸. «علم دینی؛ امکان یا امتناع؟». **مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**. ش۳۷، بهار، ص۵-۲۸.

۳. نادری، محمدمهدی. ۱۴۰۰. «امکان علوم انسانی اسلامی از دیدگاه علامه محمدتقی مصباح و عطاس (مطالعه تطبیقی)». **پژوهش‌های دین و علم**. ش۲۴، بهمن.

۴. محقق، جواد. ۱۳۹۶. «رابطه قرآن و علوم انسانی از دیدگاه علامه آیت‌الله مصباح یزدی». **پژوهش‌نامه علوم انسانی اسلامی**. ش۸. پاییز و زمستان. ص۱-۱۹.

۵. نصیری، علی. ۱۳۹۸. «مبانی ابتنای علوم انسانی بر متون دینی». ارائه‌شده در **پنجمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی**. پاییز.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

تعریف حقیقی «علوم انسانی» دشوار است، ازاین‌رو معمولاً آن را به مصداق و کارکردش تعریف کرده‌اند (شریفی، ۱۳۹۳، ص۱۰۳-۱۱۷). به‌عنوان‌نمونه، تعریف علوم انسانی به مجموعه‌ای از معارف مانند: «علم اقتصاد»، «جامعه‌شناسی»، «انسان‌شناسی»، «جغرافیا»، «قوم‌شناسی»، «زبان‌شناسی»، «تاریخ»، «سیاست شناسی» و ... گفته می‌شود (فروند، ۱۳۷۲، ص۳-۴). در تعریف جامعی می‌توان گفت: «علوم انسانی (در مقابل علوم طبیعی و ریاضی) به مجموعه علومی اطلاق می‌شود که به شناخت انسان و توصیف، تبیین و تفسیر پدیده‌های فردی و اجتماعی (ازآن‌جهت که انسانی‌اند، نه از جهت فیزیکی و زیستی)، و جهت‌بخشی به افعال و انفعالات انسانی می‌پردازند. مانند انسان‌شناسی، اخلاق، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم تربیتی، علوم سیاسی و تاریخ.

علوم انسانی قرآن‌بنیان یعنی علوم انسانی منسوب به قرآن. این نسبت به شکل‌های کلی زیر که به‌ترتیب نقش قرآن پررنگ می‌شود، متصور و قابل‌طرح است:

۱. علوم انسانی که عالم و متعلم آن بینش و شخصیت قرآنی دارد و جهان عالم را مخلوق خدا می‌داند (ر.ک: گلشنی، ۱۳۷۷، ص۳).

۲. علوم انسانی که در آب‌وخاکی که با اندیشه‌های اسلامی و قرآنی آبیاری شده است برویند و یا با آن مناسبت و سازگاری داشته باشند (ر.ک: سروش، ۱۳۷۲، صص۱۹-۲۰ و ۱۹۴ و ۱۹۵).

۳. علوم انسانی در پی تحقق اهداف قرآنی و جامعه قرآنی است و در خدمت اهداف قرآن قرار می‌گیرد (ر.ک: گلچین، ۱۳۸۳، ص۲۷).

۴. علوم انسانی که نظام حاکم بر آن مستخرج از قرآن است (ر.ک: میرباقری، ص۱۱۵-۱۱۷).

۵. علوم انسانی که موضوعات قرآنی و موردنیاز جامعه قرآنی را بررسی می‌کند (امزیان، ۱۳۸۰، ص۲۰).

۶. علوم انسانی که هدفش نشان دادن راه سعادت به انسان‌ها باشد و با روش معتبر نزد دین مانند عقل، وحی و تجربه، اثبات شده باشد و مبانی اعتقادی و ارزشی دین را در سطوح مختلف در نظر گرفته و با آن مطابقت دارد و یا دست‌کم با آن تنافی ندارد (ر.ک: مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ص۲۰۳-۲۰۶).

۷. علوم انسانی که پیش‌فرض‌ها و مبانی آن از قرآن گرفته شده است (باقری، ۱۳۸۲، ص۱۸۷ و ۱۸۸).

۸. علوم انسانی که افزون بر پیش‌فرض‌ها و مبانی آن، فرضیه و نظریه‌های آن از قرآن گرفته شود.

به‌نظر می‌رسد برای رسیدن به علوم انسانی قرآن‌بنیان همه این امور لازم است؛ ولی آنچه علوم انسانی را قرآنی می‌کند تلقی هفتم و هشتم است. بنابراین مقصود از علوم انسانی قرآن‌بنیان آن است که مبانی یا مسائل و نظریه‌های آن به روش معتبر از قرآن استنباط شود. توضیح اینکه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

موضوعات برخی از علوم، با دو یا چند روش قابل‌بررســی‌اند، هم می‌توان با روش عقلی و تجربی پرســش‌های مربوط به آنها را پاسخ داد و هم می‌توان پاســخ آنها را با روش نقلی از منابع وحیانی استنباط کرد. اگر پاسخ آنها از طریق مراجعه به قرآن با درجه‌ای از اطمینان علمی اثبات شود، علم قرآن‌بنیان خواهد بود. این اطمینان گاه ممکن است در موارد به شکل علم یقینی نباشد، که دست‌کم باید اطمینان قابل دفاع عقلایی به‌دســت آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، صص۱۳-۱۴ و ۱۸۵-۱۸۹). بنابراین اتصاف علوم انسانی به قرآنی بودن حقیقی است.

مراد از امکان علوم انسانی قرآن بنیان آن است که قرآن ظرفیت‌هایی قلمروی و بیانی لازم را دارد تا بتوان براساس آموزه‌های آن علوم انسانی بنیان نهاد.

مسئله «امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان» یکی از مبانی قرآن‌پژوهی علوم انسانی قرآن‌بنیان است. توضیح اینکه در تولید علوم انســانی قرآن‌بنیان، افزون بر ماهیت‌شناســی آن علوم، اقداماتی مانند مشخص کردن مبانی، شناسایی مراحل و فرایند تولید و طی کردن دقیق آن فرایند لازم است. مبانی علوم انسانی چند دسته‌اند: مبانی معرفت‌شــناختی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی و مبانی قرآن‌شناختی. مبانی قرآن‌شــناختی به یک لحاظ دو دسته‌اند: دسته‌ای مربوط به امکان تولید علوم انســانی قرآن‌بنیان است و دسته دیگر مربوط به اعتبار آن. برخی نگاشته‌های مربوط به امکان علوم انسانی دینی و قرآن‌بنیان به تفاوت و تفکیک این دو دسته توجه نداشته و مسائل مربوط به اعتبار را نیز در بحث از امکان آورده‌اند. ما در مقاله‌ای به‌تفصیل از مطالب مربوط به اعتبار علوم انســانی قرآن‌بنیان ســخن گفته‌ایم. در آن مقاله نخست ادله و شــواهد منکران اعتبار علوم انسانی قرآن‌بنیان مانند همگانی نبودن نظریه قرآنی و تأیید نشــدن فرضیه قرآنی را نقد کردیم و ســپس ادله و شواهد ظرفیــت زبانی و واقع‌نمایی قــرآن را آوردیم که عبارتند از: اصل واقع‌نمای ســخن، صفات خدا، صفات و اهداف قرآن و درنهایت ادله دیــدگاه ناباور به واقع‌نمایی قرآن نقد کردیم (ر.ک: کریمی، ۱۴۰۰، ص۳۵-۵۸).

در باب مســئله پژوهش دو دیدگاه کلی وجود دارد. کسانی منکر امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان هســتند و شمار کثیری از اندیشمندان اســلامی بر امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان باور دارند. دیدگاه درست آن است که قرآن از مبانی یا مسائل علوم انسانی سخن گفته است و می‌توان با روش صحیح علوم انسانی قرآن‌بنیان تولید کرد. البته برخلاف آنچه برخی گمان می‌کنند (توفیق، ۱۴۲۱، ص۴۴). برای این امر شــمول قرآن نسبت به تمام مســائل علوم انسانی ضرورت ندارد. چنان‌که این علوم از ابتدا که نام گرفتند، همه مســائل را در خود نداشتند و به‌مرور مسائلی بر آنها افزوده شده و همچنان افزوده می‌شود. بر آن مسائل اندک نخستین هم علوم انسانی اطلاق می‌شد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

۱. ادله و شواهد امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان

ادله و شواهد بر آن است که علوم انسانی قرآن‌بنیان امکان دارد؛ زیرا اولاً قرآن با علوم انسانی قلمرو مشـــترکی دارد؛ ثانیاً، قرآن با علوم انسانی اهداف مشـــترکی دارد؛ ثالثاً بیان قرآن بیگانه از بیان علوم انسانی نیست. این سه امر در ادامه اثبات می‌شود.

۱-۱. شمول قرآن نسبت به علوم انسانی

موضوع علوم انســـانی، کنش‌های فردی و اجتماعی انســـان است، خداوند آگاه به تمام ویژگی‌های انســـان، قرآن، این آخرین مرحله دین خود را فرو فرســـتاد تا راهنمای انســـان‌ها در ابعاد گوناگون زندگی باشـــد و به مسائل و مشـــکلات انسان پاســـخ گوید و با بیان حقایق و روشنگری، وی را به راســـتی و نیک‌بختی رهنمون شود (آل‌عمران: ۱۳۸؛ نحل: ۸۹؛ نساء: ۱۷۴ و بقره: ۱۸۵) طبق ادله عقلی و نقلی، قرآن در باب حقیقت انسان و کنش‌ها و رابطه وی با خود و خدا و انسان‌های دیگر و موجودات اطراف او سخن دارد. این ادله عبارتند از:

الف) نیازمندی انسان به وحی؛

ب) ویژگی‌های قرآن؛

ج) آیات بیانگر گستردگی قلمرو موضوعی قرآن؛

د) روایاتِ بیانگر گستردگی قلمرو موضوعی قرآن.

۱-۱-۱. ادله نیازمندی انسان به وحی و قرآن

چنان‌که در ادامه می‌آید، دانشمندان بر ضرورت وحی و قرآن، ادله عقلی گوناگون آورده‌اند. وجه مشترک آنها ناتوانی معرفت عادی انســـان از یافتن پاسخ برای همه نیازهای معرفتی و رفتاری خود است (کریمی، ۱۳۸۵، ص۱۲۷- ۱۴۳). هریک به بخشـــی از نیازهای انســـان تأکید دارد مانند نیاز انسان به قوانین لازم جهت رفع اختلافات، احکام عملی و امور مؤثر در تکامل اختیاری و ....

الف) قرآن و قوانین اجتماعی

حکما در اثبات نیاز به وحی الهی، به اجتماعی بودن زندگی انســـانی و ناتوانی بشـــر بر وضع و اجرای قوانین رفع‌کننده اختلافات اجتماعی تأکید دارند (فارابی، ۱۳۶۱، ص۳۵۱ ـ ۳۵۳؛ ابن‌ســـینا، ۱۳۸۰ق، ص۴۴۱ ـ ۴۴۳؛ ســـهروردی، ۱۳۶۹، ج۱، ص۹۵، ۹۶؛ شـــیرازی، ۱۳۴۶ش، ص۳۵۹؛ و طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۲، ص۱۳). البته مراد زندگی اجتماعی‌ای اســـت برای جامعه انسانی که معنویت در آن رشد می‌کند، نه هر نوع زندگـــی اجتماعی (جوادی، ۱۳۷۲، ص۲۶۳-۲۶۴). درنتیجه بـــا عنایت به اینکه قرآن مصداق اکمل وحی است، تمام امور لازم برای رسیدن انسان به زندگی حقیقی در قرآن کریم آمده است. بنابراین بخشی از مسائل علوم انسانی مربوط به قوانین حقوقی و ... است که قرآن از آن سخن گفته است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

ب) قرآن و احکام فردی و اجتماعی

متکلمان برای اثبات نیاز به وحی، دو مسئله را مطرح می‌کنند: یکی حسن تکلیف و نیاز به راهنمایی الهی برای دریافت حقوق و تکلیف؛ و دیگری قاعده لطف،[1] که می‌طلبد خداوند تکالیف لازم برای بندگان را بیان فرماید (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۰ ق، ص۱۵۲-۱۵۳). تأکید متکلمان به تکلیف به‌معنی عدم توجه ایشان به بعد اجتماعی زندگی انسانی نیست؛ زیرا بخش عمده‌ای از حقوق و تکالیف دینی بعد اجتماعی نیز دارد. طبق این برهان حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی بندگان و یا حداقل کلیات آن در قرآن کریم آمده است. با عنایت به اینکه بخشی از علوم انسانی به حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی انسان مربوط است، می‌توان در آنها از قرآن استفاده کرد.

ج) قرآن و امور مربوط به کمال انسان

کامل‌ترین برهان عقلی بر قلمرو قرآن برهان کمال است که از خود قرآن نیز قابل‌استفاده است. این برهان چند مقدمه ذیل را دارد:

۱. استکمال اختیاری به‌عنوان هدف آفرینش انسان؛

۲. ضرورت شناخت کمال انسانی و راه رسیدن به آن؛

۳. ناتوانی ابزار عمومی معرفت انسان از این شناخت.

با عنایت به این مقدمات، به‌مقتضای حکمت الهی باید راه شناخت دیگری غیر از عقل و حس برای انسان باشد، تا به کمال مطلوب برسد و آن وحی است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۵، ص۱۳-۱۴). قرآن آخرین وحی الهی و مصون از تحریف است؛ بنابراین امور مربوط به تکامل انسان جزو قلمرو قرآن است.

طبق این برهان، تمام امور مربوط به تکامل انسان جزو قلمرو قرآن است؛ و بخش مهمی از مسائل علوم انسانی وظیفه شناساندن امور مرتبط با سعادت انسانی را برعهده دارد. ازاین‌رو قرآن توان بیان مسائل علوم انسانی را دارد.

از مجموع ادله عقلی بر ضرورت وحی به‌دست آمد که نیازمندی انسان به وحی و قرآن عبارتند از: آگاهی از صفات الهی و راه سیر به‌سوی خدا، امور مربوط به زندگی اجتماعی سالم و الهی، حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی و امور مربوط به کمال و سعادت انسان. بنابراین قرآن در باب این امور که بخش مهمی از مبانی و مسائل علوم انسانی است، سخن دارد.

---

۱. درباره قاعده لطف، ر.ک: محمد بن محمد بن نعمان، النکت الاعتقادیة، ص۳۵؛ حسن بن یوسف حلی، کشف المراد فی تجرید الاعتقاد، ص۳۲۴؛ محسن خرازی، «قاعده لطف ازنظر متکلمان و فلاسفه»، یادنامه حکیم لاهیجی: مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات، ص۳۶۰ ـ ۳۸۳.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

۱-۱-۲. ویژگی‌های قرآن کریم

برخی از ویژگی‌های قرآن گواه بر اشتمال قرآن بر مسائل علوم انسانی است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف) برخورداری از باطن

قرآن افزون بر ظاهر، باطنی دارد. تعداد روایات بیانگر باطن برای قرآن به‌قدری است که تواتر معنوی دارد (صفار القمی، ۱۴۱۴، ص۲۱۲-۲۱۶). به‌عنوان‌نمونه حضرت علی (ع)، فرموده‌اند: «اِنّی سَمِعْتُ رَسولَ اللّهِ (ص) یقُولُ لِیسَ مِنَ القُرآنِ آیةٌ اِلّا وَ لَها ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» (حسینی بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۲۷۰).

طبق نقل امام باقر (ع) فرموده‌اند: «ان للقرآن بطنا و للبطن بطن» (مجلسی، بی‌تا، ج۹۲، ص۹۱ و ۹۴). گرچه نیل به همه مراتب باطن قرآن ویژه معصوم (ع) است؛ ولی انسان‌های عادی نیز با شرایط می‌توانند به برخی مراتب آن دست یابند. همچنین محقق قرآنی می‌تواند از روایات بیانگر معنای باطنی قرآن استفاده کند.

این ویژگی قرآن زمینه تلاش پژوهشگران برای جمع‌آوری آیات بیشتر و بهره‌مندی وافر از آن در تولید علوم انسانی را فراهم می‌کند. زیرا می‌تواند افزون بر به‌دست آوردن معارف ظاهری آیات، به معارف باطنی قرآن در باب مسائل علوم انسانی نیز دست یابد.

ب) برخورداری از استقلال معنایی فرازهای قرآن

از شمار اموری که زمینه بهره‌مندی محقق علوم انسانی از آیات بیشتر در تولید علوم انسانی را فراهم می‌سازد این است که برخی فرازهای قرآن جدا از معنای حاصل از پیوندهای متنی و فرامتنی، معنایی دارند. مراد از پیوندهای متنی، آن پیوندهایی است که بخش‌های قرآنی با دیگر جمله‌های بخش‌های پیرامون داشته و می‌تواند معنای آن را به‌سوی خاص معطوف دارد. مانند سیاق کلی آیات و یا پیوند عام با خاص و مطلق با مقید. مراد از پیوندهای فرامتنی، فضای معنایی حاکم بر نزول آیات و وابسته‌های بیرونی بخش‌های آیات است، که شامل اسباب نزول، مکان نزول، ویژگی‌های متکلم و مخاطبان می‌شود (اسعدی، ۱۳۸۵، ص۱۳-۱۵).

دلیل بر استقلال معنای فرازها این است که قرآن در وصف خود می‌فرماید: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِیثِ کِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِیَ ...»؛ (زمر: ۲۳) وصف شدن قرآن به «مثانی» نشان از آن است که قرآن کلامی است که بر حسب اسلوب خاصش، در عین پیوستگی، مقطع‌های مشخصی دارد که خودبه‌خود از یکدیگر جدا می‌شوند. مانند کاغذی که تاخورده و دارای لایه‌های متعددی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص۵۱-۵۲).

این ویژگی قرآن زمینه بهره‌مندی از آیات بیشتر در تولید علوم انسانی را فراهم می‌سازد. بنابراین

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

می‌توان افزون بر آیات مربوط به علوم انسانی با معنای پیوندی، از فرازهای دارای معنای مستقل نیز بهره‌مند شد.

ج) وجود رابطه منطقی بین هست‌ها و بایدهای قرآن

وجود رابطه بین گزاره‌های توصیفی و هنجاری قرآن، گستره استفاده از قرآن در تولید علوم انسانی را بیشتر می‌کند. توضیح اینکه قرآن مشتمل بر جملات اِخباری و جملات انشایی است. جمله‌های اخباری از هست و نیست و جملات انشایی از باید و نباید سخن می‌گویند (ر.ک: تهاونی، بی‌تا، ج۱، ص۲۴۶). بین این دو دسته جملات رابطه منطقی هست و درنتیجه امکان استنتاج «باید» و «نباید» از «هست» و «نیست» و برعکس، وجود دارد. وجود چنین رابطه‌ای در مرحله مطالعه اکتشافی آیات تأثیر می‌گذارد و زمینه دستیابی به آیات بیشتری در تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان را فراهم می‌سازد؛ زیرا می‌توان، در تولید علوم انسانی دستوری از گزاره‌های توصیفی قرآن و برعکس در تولید علوم انسانی توصیفی از گزاره‌های دستوری قرآن استفاده کرد. این امر در مواردی زمینه توسعه یا غنای تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان را فراهم می‌آورد.

دلیل بر امکان استنباط منطقی «باید» از «هست» آن است که صفات و رفتارهای اختیاری انسان از جهت تأثیری که در کمال اختیاری دارند، ارزش‌گذاری می‌شوند. «باید» در جملات حقوقی و اخلاقی لزوم آراسته شدن به برخی صفات و انجامِ برخی رفتارهای اختیاری را بیان می‌کند که برای دستیابی به کمال اختیاری انسان ضروری است. همچنین «نباید» بیان‌کننده لزوم پیراسته شدن از برخی صفات و ترکِ برخی رفتارها برای دستیابی به این هدف است. یعنی نتایج افعال اختیاری معلول آنها هستند. ازآنجاکه میان علت و معلول ضرورت بالقیاس وجود دارد، فعل اختیاری نسبت به نتایج خود ضرورت بالقیاس داشته و باید و نبایدهای اخلاقی تعبیراتی از همین رابطه ضرورت بالقیاس است (مصباح، ۱۳۸۵، ص۶۰ ـ ۵۹).

۱-۱-۳. آیات شاهد بر شمول قرآن به علوم انسانی

مطمئن‌ترین روش کشف قلمرو موضوعی قرآن کریم مراجعه به خود قرآن کریم است؛ زیرا قرآن که خود را نور (مائده: ۱۵) و وسیله هدایت (بقره: ۱۸۶) و بیانگر همه‌چیز (نحل: ۸۹) معرفی می‌کند، به‌یقین قلمرو خود نیز بیان کرده است. به‌علاوه استفاده از این روش ضروری است؛ زیرا چنان‌که در نقد دیدگاه‌های منکرین علوم انسانی قرآن‌بنیان خواهد آمد هیچ‌یک از روش‌های بیرون‌متنی نمی‌تواند، گستره موضوعی قرآن را به‌طور دقیق کشف کند.

آیات متعدد بر گستردگی قلمرو موضوعی قرآن و درنتیجه شمول آن نسبت به علوم انسانی دلالت دارد. مانند: آیه ۳۸ و آیه ۵۹ سوره انعام، آیه ۱۱۱ سوره یوسف، آیه ۸۹ نحل و آیات مربوط به

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

معجزه بودن قرآن. برای جامعیت قرآن به نه دسته آیات تمسک می‌شود (کریمی، ۱۳۹۰، ص۲۰۱-۲۴۳) که برخی از مهم‌ترین این آیات را بررسی می‌کنیم.

الف) آیه بیانگر همه‌چیز بودن قرآن

«وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ. (نحل: ۸۹)؛ و به‌یاد آور روزی را که در هر امتی گواهی از خودشـــان برایشـــان برانگیختیم و تو را هم بر اینان گواه آوردیم و این کتاب را که روشنگر هرچیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم.

این آیه شریفه بیش از آیات دیگر موردتوجه و بررسی عالمان مسلمان است و به‌روشنی دلالت دارد، قرآن در باب علوم انسانی ســـخن دارد؛ زیرا اولاً فعل «نَزَّلْنا» دلالت دارد، مراد از «الکتاب» قرآن نازل شـــده و موجود در دست مســـلمانان اســـت؛ ثانیاً واژه «تبیان»، حاکی از مبالغه بوده و به‌معنای بیان رسا است (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۴ق، ج۸، ص۳۱۶) و نشان می‌دهد قرآن، خود به‌طور مســـتقیم و به‌تفصیل بیانگر اســـت؛ زیرا بیانگر غیرمســـتقیم و به‌اجمال (زمخشری، ۱۴۱۷، ج۲، ص۴۰۱) با این تعبیر ناســـازگار است. ثالثاً «کل» و «شـــیء» عموم و اطلاق دارد و محدود کردن عموم سخن آیه به امور هدایتی بی‌دلیل است؛ **رابعاً** واو وسط آیه، عاطفه بوده و ابتدا و انتهای آیه با هم مرتبط اســـت. قسمت نخست آیه وجود گواه در هر امت و گواه بودن پیامبر اسلام (ص) بر همه گواهان یا تمام انسان‌ها را مطرح می‌کند. چون به جهت کثرت انسان‌ها و اعمال ایشان، سؤال مطرح می‌شود که چگونه آن حضرت به این‌همه اعمال آگاه شده و در قیامت شهادت خواهند داد، فقره دوم آیه، جامعیت قرآن را مطرح می‌کند تا بفهماند، قرآن امور موردنیاز حضرت را در خود دارد.

طبق این آیه شـــریفه قرآن مشـــتمل بر امور گسترده‌ای اســـت و انحصار محتوای قرآن به امور اخروی و خارج کردن امور دنیوی و علوم انســـانی تخصیص اکثر بـــوده و با الهی بودن و حکیمانه بودن قرآن نمی‌سازد. یادآوری می‌شویم، گرچه بخشی از محتوای قرآن در باطن آمده و ویژه معصوم علیه‌السلام است؛ لکن عالمان می‌توانند، از معارف باطنی قرآن، که توسط معصوم بیان شده است، اســـتفاده کنند. بنابراین عالمان علوم انســـانی می‌توانند با روش فهم درســـت و استفاده از روایات معصومان علیهم‌السلام در تولید علوم انسانی از قرآن استفاده کنند.

رویات متعدد نیز، که برخی از آنها صحیح الســـندند، (مجلسی، ج۱، ص۲۰۲) بر گستردگی بیش از امور هدایتی قرآن، به این آیه شـــریفه اســـتناد کرده اســـت (ر.ک: صفار القمی، ۱۴۰۴ق، ص۱۲۸، احادیث ۲ تا ۷؛ کلینی، ۱۳۶۷، ج۱، ص۶۱) طبق ســـند صحیح (مجلسی، ۱۳۷۰ ش، ج۱، ص۱۵۷) امام صادق (ع) فرمودند:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

همانا خداوند که یادکردش گرامی باد... کتاب‌های آسمانی را به کتاب شما پایان داد و بعد از آن کتابی نیســت و هر چیزی و آفرینش شما و آسمان‌ها و زمین و خبر پیش از شــما و حکم کننده بین شما و خبر بعد از شما و امور مربوط به بهشت و جهنم و آنچه بدان نیاز دارید را در آن بیان فرود آورده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج۱، ص۲۶۹).

آیه ۱۱۱ سوره یوسف نیز هم مضمون این آیه است بر گستردگی قلمرو موضوعی بر بیش از امور هدایتی ازجمله امور مربوط به سعادت دنیوی و اخروی انسان دلالت دارد (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸، ج۲، ص۱۹ و طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص۳۰۸).

ب) آیات بیانگر تحدی قرآن به عالمان رشته علوم انسانی

قرآن کریم معجزه الهی اســت و با شکل‌های مختلف همگان را به هماوردی می‌خواند و درنهایت، از عجز دائمی انسان‌ها و جنیان از هماوردی خبر می‌دهد:

قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الإِنسُ وَ الْجِنُّ عَلَى أَن يأْتُواْ بِمِثْلِ هَـذَا الْقُرْآنِ لاَ يأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (اســراء: ۸)؛ بگو اگر انــس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد، هرچند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.

این آیه و آیات دیگر نســبت به تمام انســان‌ها تحدی می‌کند، در صورتی درست است که قرآن در زمینه‌های گوناگون توانمندی انســان‌ها را دربرگیرد. بر این اســاس، قرآن برای عالمان گوناگون ازجمله رشــته‌های علوم انسانی معجزه اســت درنتیجه جامع آن علوم است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۵۹ و ۶۰). ازایــن‌رو، یکــی از وجوه اعجاز قرآن، اعجاز در محتوا و اشــتمال آن بر علوم فراوان اســت. می‌فرماید: «قُلْ فَأْتُــوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَــا أَتَّبِعْهُ إِن كنتُمْ صَادِقِينَ» (قصص: ۸۹).

نتیجه اینکه آیات مربوط به قلمرو قرآن به‌ویژه آیه ۸۹ ســوره نحل و آیه ۱۱۱ سوره یوسف دلالت دارد که گستره موضوعات قرآنی معارف بشری ازجمله علوم انسانی را دربردارد.

۱-۱-۴. روایات شاهد بر شمول قرآن نسبت به علوم انسانی

روایات مربوط به قلمرو قرآن در حد اســتفاضه بوده (عروسی، ۱۳۷۳، ج۳، ص۷۴-۷۷) و برخی از آنها صحیح السندند (کلینی، ۱۳۶۷، ج۱، ص۵۹ و ۶۰). این روایات سه دسته‌اند:

روایات دسته نخست گســتردگی قلمرو بیانات قرآن را، بدون اشاره به آگاهان آن بیان می‌کند. مثلاً از پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله نقل شده است:

من اراد علــم الاولین و الاخرین فلیقرأ القرآن؛ (متقــی، ۱۴۰۹ق، حدیث ۳۴۵۴) کسی که دانش اوّلین و آخرین را می‌خواهد، قرآن را بخواند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

روایات دسته دوم ضمن بیان گستردگی قلمرو قرآن، اشاره دارد که مردم نمی‌توانند آن را درک کنند. مثلاً حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

ما من شئ الا علمه فی القرآن و لکن عقول الرجال تعجز عنه (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج۳، ص۲۱۸)؛ هیچ‌چیزی نیست مگر اینکه علم آن در قرآن کریم هست؛ ولی عقل مردم از رسیدن به آن ناتوانند.

روایات دسته سوم اشاره دارد، بیان همه‌چیز در قرآن، ویژه معصومان علیهم‌السلام ست. مثلاً امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند:

مَا مِنْ شَیءٍ تَطْلُبُونَهُ إِلَّا وَ هِی فِی کتَابِ اللَّهِ تَعَالَی فَمَنْ أَرَادَ عِلْمَ ذَلِک فَلْیسْأَلْنِی عَنْه؛ (عاملی، ۱۱۰۴ ، ج۱۸، ص۱۳۵، ح۲) چیزی را نمی‌خواهید جز آنکه در کتاب خدا [قرآن] آمده است؛ هر کس دانش آن را می‌خواهد، پس از من بپرسد.

روایات دسته چهارم دلالت دارد که همه‌چیز در کتاب و سنّت آمده است. طبق سند صحیح، امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

مَا مِنْ شَیءٍ إِلَّا وَ فِیهِ کتَابٌ أَوْ سُنَّة؛ (کلینی، ۱۳۶۷، ج۱، ص۵۹) هیچ‌چیزی نیست، مگر اینکه کتاب (= قرآن) یا سنت درباره آن سخن دارد.

مجموع این روایات دلالت دارد که قلمرو موضوعی قرآن کریم بسیار گسترده است و شامل علوم انسانی هم می‌شود.

نتیجه اینکه قلمرو موضوعی قرآن گسترده است و شامل بینش، گرایش، منش و کنش‌های انسانی بوده و با قلمرو علوم انسانی، مشترکاتی دارد. قلمرو علوم انسانی روابط افراد بشر با یکدیگر، روابط افراد با اشیا و نیز آثار و نهادها و مناسبات ناشی از این روابط را شامل می‌شود (ر.ک. فروند، ۱۳۷۲، ص۳) به‌یقین این امور داخل در قلمرو قرآن است. آموزه‌های اجتماعی ناظر به مسائل و مقررات مربوط به کلیه امور و فعالیت‌های دنیایی و اجتماعی انسان، در متن قرآن آمده است که علوم انسانی از آن قابل‌استفاده است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص۳۲) برخی مفسران قرآن را اولین منبع برای همه علوم انسانی می‌دانند (ر.ک: جوادی آملی، آذر و دی ۱۳۷۰، ص۱۹)

چگونگی اشتمال قرآن بر علوم انسانی

معلوم شد، قرآن مشتمل بر مسائل علوم انسانی است؛ لکن نه اینکه یک دیدگاه و یا یک مکتب به مفهوم اصطلاحی آن، اثبات یا نفی کند، شمول قرآن نسبت به مسائل گوناگون به این نحو نیز

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

تأمین می‌شـــود که درباره تک‌تک گزاره‌هایی که در یک علم یا دیدگاه و یا مکتب هست و یا در باب پیش‌فرض‌های آن، در قرآن مطلبی یافت شـــود و یا قرآن اثباتاً یا نفیاً نسبت به آنها موضع‌گیری کرده باشد، که در این صورت یک قرآن‌پژوه آشنا با آن علوم می‌تواند، این تک‌گزاره‌ها را گردآوری نماید، نظم و نَسَـــق بخشـــد و به‌عنوان دیدگاه قرآن مطرح نماید. برخی مـــوارد از طریق لوازم و ملزوماتی که مسئله، می‌توان دیدگاه قرآن را به‌دســـت آورد و گاهی می‌توان از اصول مفروغ‌عنه پنداشته شده، شـــرایط صدق یک نظریه را فهمید. حتی از تشـــویق و ترغیب و ماننـــد آن، می‌توان دیدگاه‌هایی را به‌دست آورد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص۳۰۵ و ۳۰۶ و رجبی، ۱۳۸۹- ۱۳۹۰ ، ص۸ و ۹) با این نگاه، گزاره‌های مربوط به علوم انســـانی در قرآن به مقداری وجود دارد که در کنار دیگر مطالب آن علوم ترکیب تازه‌ای به مبانی و مســـائل آنها می‌دهد. این علوم انسانی شکل‌گرفته به‌گونه‌ای است که بتوان بر آن نام علوم انسانی قرآن‌بنیان نهاد.

۱-۲. قابلیت بیانی قرآن برای تولید علوم انسانی معتبر

قرآن ظرفیت بیانی برای ارائه دیدگاه در علوم انسانی را دارد. زبان قرآن تمام مزایای زبان عرف عقلا را دارد و درعین‌حال از جهت دقت به‌کارگیری الفاظ و بلندی معانی و مفاهیم، با ســـخنان بشـــری متفاوت اســـت (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص۲۹). قرآن معرفت‌بخش بوده و برای همه اقشار انسانی سخن دارد و به ساحت‌ها و ابعاد انسانی توجه کرده است.

۱-۲-۱. معرفت‌بخشی گزاره‌های قرآن

علوم انسانی در پی کشف حقایق است و در صورتی تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان میسر خواهد بود که زبان گزاره‌های قرآن معرفت‌بخش داشـــته باشد. ادلّه و شواهد بر معرفت‌بخشی گزاره‌های قرآنی دلالت دارند. برخی از آنها عبارتند از:

الف) اهداف قرآن و معرفت‌بخشی آن

بخشـــی از اهداف قرآن بینشی اســـت. ازجمله: ۱. یادآوری امور فراموش‌شـــده (تکویر: ۲۷)؛ ۲. بیان دلیل روشـــن بر بینش‌های صحیح و ضروری (نساء: ۱۷۴)؛ ۳. بازشناسی حق از باطل (بقره: ۱۸۵)؛ ۵. رفـــع اختلاف (نحل: ۶۴)؛ ۶. تعلیم مردم (نحل: ۱۸۹). این اهداف جز با ارائه معارف ضروری- که لازمه‌اش معرفت‌بخشی قرآن است- حاصل نمی‌شود. خدای حکیم کتابی نمی‌فرستد که اهداف از آن فراهم نیاید.

ب) شیوه بیان قرآن و معرفت‌بخشی آن

یکی از ویژگی‌های اصلی زبان، شـــناختاری بودن اســـت. اصل در مکالمات انسان‌ها شناختاری بودن است. هر گوینده عاقل و حکیم نیز هنگام سخن گفتن با مردم، در بیان خود به این سیره عمل

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

می‌کنـد. و درصورتی‌که غیر از مراد باشـد قرینه برخلاف می‌آورد. قرآن نیز به زبان و شـیوه عرف عقلای جامعه انسانی سخن گفته است.

ج) نور و روشنگر بودن قرآن

خداوند قرآن را نور و روشـنگر معرفی فرموده است: مانند: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا؛ (نساء: ۱۷۴) و به صورت معرفه مانند: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (یوسـف: ۱) وصف کرده است روشنگر بودن گزاره‌های قرآن نشان از معرفت‌بخشی آن است.

نتیجه این که گزاره‌های قرآنی معرفت‌بخش است. معرفت بخش بودن قرآن، تولید علوم انسانی قرآن بنیان را میسّر می‌سازد.

۱-۲-۲. داشتن سخن برای تمام اقشار انسانی

قرآن خـود را مایه هدایت همه مردم معرفی می‌کند: «شَـهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيـهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ...» (بقره: ۱۸۵) این کتاب الهی برای توده مردم سخن هدایت‌بخش دارد، برای متخصصان و اندیشـمندان رشـته‌های مختلف علمی نیز معارف مفید ارمغان آورده است (راغب الاصفهانی، ۱۴۰۵ق، ص۴). چنان‌که گذشـت قرآن بـرای اثبات اعجاز خود، همه انسـان‌ها را به هماوردی می‌خواند (اسـراء: ۸۸). در صورتی هماوردخواهی از همه انسـان‌ها درست است که متناسب با نیازهای قشـرهای مختلف و زبان آنها سـخن بگوید، و برای عالمان رشـته‌های مختلف علوم نیز سخن داشته باشد و آنها نیز بتوانند نیازهای معرفتی خود را از قرآن استفاده کنند (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج۱، ص۵۹ و ۶۰). لازمه سـخن داشتن قرآن برای همه انسان‌ها و همه ابعاد گوناگون وجودی آنها این است که زبانش ترکیبی و چندساحتی بوده، تمام مزایای زبان عقلا را داشته (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج۱۲، ص۱۶) و در نتیجه از شیوه بیان متناسب برای تولید علوم انسانی برخوردار باشد؛ زیرا بخش معظمی از علوم انسانی نیز به این مسائل می‌پردازد و درباره آنها چاره‌اندیشی می‌کند.

نتیجه اینکه قرآن کریم اولاً از قلمرو موضوعی گسـترده‌ای برخوردار بوده و مشـتمل بر مسائل علوم انسـانی است؛ ثانیاً شـیوه بیان آن وجه مشترکی با شـیوه بیانی علوم انسانی داشته و زبان آن ترکیبی و چندسـاحتی است. آن گستردگی قلمرو موضوعی و این شیوه بیان قرآن کریم زمینه لازم را فراهم کرده اسـت، تا اندیشوران علوم انسانی بتوانند با روش صحیح تفسیر موضوعی، دیدگاه قرآن در زمینه‌های مختلف انسانی را استخراج کنند.

۲. ادله نظریه عدم امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان و نقد آنها

کسانی ناباور به تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان بوده و آن را غیرممکن می‌دانند. برخی از ایشان به‌رغم اذعان به وجود آموزه‌های علوم انسـانی بسـیاری در روایات معصومان علیهم‌السلام، بدون هیچ

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

دلیلی مدعی‌اند، این آموزه‌ها جزء قلمرو وحی و قرآن نیســت و مشــمول «ان هو الاّ وحی یوحی» نمی‌شــود (بازرگان، ۱۳۷۷، ص۷۶ ـ ۷۷). بعضی نیز به گمان خود ادله و شــواهد آورده‌اند که در بررسی و نقد می‌کنیم.

۲-۱. عدم شمول قرآن نسبت به علوم انسانی

ناباوران به امکان علوم انســانی قرآن بنیان در صددند تنها با استفاده از روش‌های برون متنی (متن= قرآن و حدیث) در قلمروشناسی قرآن، نشان دهند، قرآن مشتمل بر علوم انسانی نیست. این ادله را بررسی و نقد می‌کنیم:

الف) عدم انتظار از قرآن برای تولید علوم انسانی

انتظار دخالت قرآن در امور مربوط به دانش بشــری از جمله علوم انســانی نیست (سروش، ۱۳۸۵، ص۲۰۳- ۲۰۵). اســتفاده از متون دین دراین‌باره ناصحیح بوده و بهترین روش برای به‌دست آوردن توانمندی قرآن روش انتظار بشــر اســت. طبق این روش نخســت نیازهای اصیل انســان از طریق انسان‌شناسی عقلی و تجربی شناسایی می‌شود و سپس توانایی علوم بشری در جواب‌گویی به قسمتی از نیازها، به‌دســت می‌آید، آن قسمت از نیازهای اصیلی که باقی می‌ماند و دانش بشری به آنها پاسخ نمی‌گوید، توانمندی و قلمرو موضوعی قرآن را مشخص می‌سازد (ر.ک: سروش، ۱۳۷۷، ص۱۲).

نقد

این روش که نخست برای رفع تعارض میان علم و کتاب مقدس از غرب مسیحی مطرح شد (ر.ک: ایان باربور، علم و دین، ص۳۵ و ۳۶)، بر دو مقدمه استوار است که هر دو اشکال دارد:

مقدمه اوّل: قرآن آن بخش از نیازهای انسان را پاسخ می‌گوید که در جای دیگر پاسخی ندارد. اولاً این مقدمه مصادره به مطلوب بوده و در آن گســتره قرآن به‌نحوی مشخص شده است. ثانیاً، بر این مدعا دلیلی آورده نشده است. بلکه اصلاً نمی‌توان به امتناع عقلی دخالت قرآن در امور مربوط به قلمرو دانش بشــری مانند علوم انسانی اســتدلال کرد. اگر قرآن در امور مربوط به علوم انسانی ســخنی داشته باشد نه تنها لغو نیست، بلکه در مواردی ضرورت دارد و مواردی مؤید عالمان علوم انسانی بوده و یافته‌های آنها را تأیید می‌کند. به علاوه نتیجه روش انتظار بشر، نسبی بودن توانمندی قرآن است؛ زیرا گستره پاسخگویی قرآن به تبع ضیق و سعه قلمرو کشفیات علوم بشری در بیان نیاز جدید انسانی و پاسخ به نیازها، سعه و ضیق پیدا می‌کند.

مقدّمه دوّم این اســت که تنها با روش تجربی و فلسفی تمام نیازهای انسان و نیز توانایی وی در پاسخ‌یابی به بخشــی از آنها معلوم می‌شود، در نتیجه نیازهای خارج از قلمرو دانش بشری و حوزه توانمندی قرآن مشخص می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

به‌نظر می‌رسد با توجه به پیچیدگی وجود انسان و بعضی از ویژگی‌های او مانند برخورداری انسان از روح و ابعاد مختلف وجودی و زندگی برزخی و اخروی، روش غیروحیانی به تنهایی نتواند تمام نیازهای انسان را بشناسد. پس ناگزیر باید از قرآن استمداد جست؛ زیرا این ویژگی‌های منحصر به فرد در انسان از وی موجودی مرموز و مبهم ساخته و شناخت همهٔ نیازهای جسمی و روحی و مادی و معنوی و دنیوی و اخروی او با این روش را بسیار مشکل کرده است. علوم بشری، به دلیل محدودیت و خطاپذیری، نتوانسته است ابعاد وجودی انسان و تمام نیازهای واقعی او را به طور دقیق بشناسد، (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۳، ج۲، ص۱۷۳) و بیشتر پنهانگر ذات انسان در پرده حجاب بوده تا روشنگر آن. پس باید به سوی خالق انسان و آگاه به تمام ویژگی‌ها و نیازهای وی دست نیاز گشود و از او کمک گرفت: «الله یعلم و انتم لا تعلمون؛ (نور: ۱۹) و خداست که می‌داند و شما نمی‌دانید».

البته ایشان می‌پذیرد که اولاً نکاتی از علوم انسانی را می‌توان از متون دینی استخراج کرد همچنین علوم در مقام تکوین تاریخی، اسلامی و غیراسلامی دارد؛ ولی داوری از مکتب تأثیر نمی‌پذیرد؛ زیرا هر سؤالی یک پاسخ بیشتر ندارد و روش پاسخ هر سؤالی یکی بیشتر نیست (سروش، ۱۳۸۵، ص۲۰۷ و ۲۹۸). همچنین موضوع هر علمی مشخص و مستقل از مکتب است (همان، ص۲۲۳). پاسخ این است که اولاً وقتی پذیرفتید نکاتی از علوم انسانی در قرآن کریم آمده است و می‌توان آنها را استخراج کرد، چرا مجموع این نکات استخراج شده از متون دینی نتواند رنگ دینی به آن علم بدهد و آن را با علمی که از منابع دیگر به‌دست آمده، متمایز سازد. به یقین اگر این نکات استخراج شود علوم حاصل متفاوت از قبل خواهد بود این امر مجوز امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان می‌تواند باشد. ثانیاً، گرچه موضوعات علوم مشخص است، لکن موضوع علوم درفلسفه آن علم بررسی می‌شود و می‌توان از منابع معتبر در تحلیل ماهیت موضوع استفاده کرد و اینکه ماهیت موضوع را چه بدانیم در پاسخ به پرسش‌های درباره آن متفاوت خواهد بود. مثلاً انسان موضوع انسان‌شناسی است. اگر انسان را دارای روح و جسم دانستیم، انسان‌شناسی متفاوت خواهد بود از اینکه آن را تنها منحصر در بدن مادی بشماریم (مصباح، ۱۳۹۲، ص۱۱۸ و ۱۱۹)؛ ثالثاً روش هر علم در فلسفه آن علم مشخص می‌شود، و دلیلی نداریم که روش علوم انسانی منحصر به تجربی است؛ رابعاً برخلاف این ادعا پاسخ‌ها مشخص نیست، اختلاف نظرات میان دانشمندان گواه این امر است.

ب) نظریه درون‌نگری و عدم امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان

اگر علوم اسلامی به معنای پی‌ریزی علوم جدید باشد، در قرآن این امور نیامده است. (ملکیان، ۱۳۷۸، ص۲۲۱ و ۲۲۲). صاحب این سخن ضمن اشاره به رابطه بین مقدار کارایی و گستره

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

موضوعی قرآن و امکان تولید علوم انسانی براساس معارف وحیانی، (ر.ک: همان، ص۱۸۱- ۱۸۳) تأکید دارد که در دین و قرآن صرفاً ارزش‌ها آمده اســت؛ حال آنکه علوم انسانی به روش‌ها مربوط اســت. حتی اگر افزون بر ارزش‌ها، دانش‌ها نیز در دین آمده باشــد، چنین نیست که آن دانش‌ها با انضمام به ارزش‌ها، روش‌ها را به‌دســت دهد (ر.ک: همان، ص۱۸۳- ۱۸۵) براســاس این نظریه روش درست توانمندشناسی قرآن درون‌بینی (interospection) است. هر یک از مؤمنان به قرآن باید به خود رجوع کنند و دریابند که انتظار دارند قرآن چه نیازهایی از آنها برآورده ســازد (ملکیان، ۱۳۷۵، ص۲۱ و ۲۲).

نقد

اولاً انکار تأثیرناپذیری روش‌ها از ارزش‌ها درســت نیســت؛ زیرا مســائل ارزش‌شناختی حتی در علوم تجربی تأثیر دارد (ر.ک: گلشنی، ۱۳۶۹، ص۱۳۲، ۱۳۳)؛ ثانیاً این روش قلمروشناسی چند اشــکال جدی دارد. از جمله: ۱. گردآوری انتظارات از قرآن به‌جهت گســتردگی آن، امکان وقوعی ندارد؛ زیرا ما از انتظارات گذشــتگان و آیندگان خبر نداریم. حتی جمع آوری انتظارات مسلمانان عصر حاضر نیز میســر نیست. ۲. انتظارات برخواســته از حقیقت‌جویی و فطرت انسانی نیست، تا بتوان، با جمع آوری انتظارات تعدادی از انســان‌ها، آن را به تمام انســانها ســرایت داد؛ زیرا این انتظارات شخصی بوده و قرآن موظف به پاسخگویی به آنها نیست.

ج) نظریه بسط تجربه تاریخی و عدم امکان علوم انسانی قرآن‌بنیان

از جمله روشــی که منکران دخالت قرآن در علوم انســانی مطرح می‌کنند «بســط تجربه تاریخی قرآن» اســت. طراحان این روش، عدم توفیق مسلمانان به تولید علوم انسانی را به پای ناتوانی قرآن می‌نویســند. علی عبدالرازق، از اینکه حکومت‌هایی که براســاس اسلام و قرآن شکل گرفته است ناموفق بوده‌اند، نتیجه می‌گیرد که قرآن در باب مسائل حکومت و سیاست نظری ندارد (عبدالرزاق، بی‌تا، ص۱۲۰). وی مدعی اســت: «لا تَجِدُ فِیهِ (الْقُرآن) ذِکــراً لِتِلک الإمامَةِ العامَّة والخلافة؛ در قرآن چیزی که به امامت عامه و خلافت دلالت کند نمی‌یابی» (همان، ۱۲۵).

نقد

بررسی تاریخی نقش قرآن مشخص‌کننده توان یا عدم ظرفیت آن برای به تولید علوم انسانی نیست؛ زیرا آنچه در تاریخ به آزمون می‌نشــیند، عمل مســلمان به فهم خود از قرآن است که مرتبه نهادینه وحی الهی می‌باشــد. نتایج آزمــون تاریخی قرآن را در صورتی می‌توان به پای آن نوشــت که اولاً فهم مصون از خطا در میان باشــد؛ ثانیاً، به فهم صحیح عمل شود. حال آنکه، این دو شرط در این ادوار مورد نظر محقق نشده است (طباطبایی، ۱۳۷۳، ص۹۸ و ۹۹). در تاریخ طولانی قرآن، این

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

دو شـــرط تنها در چند ســـال حضور پیامبراکرم (ص) در مدینه محقق شد، آن مقطع زمانی بیانگر توانمندی این کتاب الهی است. به اذعان صاحب‌نظران غیرمسلمان قرآن در این مدت کوتاه به نحو نیکویی کارایی خود در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی را نشان داد (ر.ک: دورانت، بی‌تا، ج۴، صص۴۳۲، ۷۷).

نتیجه اینکه تلاش برای نشـــان دادن ناکارآمدی قرآن در علوم انسانی با روش برون‌متنی، ناموفق بوده و هیچ دلیلی برای خروج علوم انسانی از حیطه قرآن وجود ندارد. بنابر منعی برای امکان تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان نیست.

۲-۲. عدم ظرفیت بیانی قرآن برای تولید علوم انسانی

شیوه بیان قرآن با بیان علوم انسانی تفاوت فاحشی دارد. زبان علم بر خلاف قرآن دقیق، بدون مجاز و دلالت‌های التزامی اســـت. اموری به‌عنوان عامل این تفاوت شمرده شده است که در ادامه نقد و بررسی می‌کنیم.

الف) عرفی بودن زبان قرآن

هدایت مردم که هدف قرآن است، شیوه بیان عرفی را می‌طلبد. یعنی تفهیم و تفاهم در آن، در حد فهم نوع اهل عرف اســـت. توصیف جهان طبیعت و پدیده‌های آن نیز که مقصد اصلی علم است، زبان خاص خود را می‌طلبد که از آن به زبان علم تعبیر می‌شود. به‌کارگیری زبان علم در قرآن نه تنها مجاز نیســـت، بلکه این امر، فهم آنها را با مشـــکل جدی روبه‌رو می‌کند. بنابراین زبان قرآن از بیان مقاصد علمی ناتوان است (کلانتری، ۱۳۷۷، ص۷۶-۸۲).

نقد

قرآن در رساندن پیام خود، از منطق تفهیم و تفاهم عموم عقلا استفاده کرده و همگان می‌توانند ازآن بهره‌مند شـــوند؛ ولی زبان آن عرفی محض و تک ساحتی نیست (ر.ک: مصباح، ۱۳۷۵، ص۱۶)؛ برخی لوازم زبان عرفی محض، مانند سهل‌انگاری، ناهم‌خوانی و پیش‌پاافتاده بودن مفاهیم، معلول نواقص بشری است. قرآن در عین مفاهمه با زبان عرفی، از نواقص آن که سبب تمایز عرفی از زبان علمی است، به‌دور است. قرآن مانند کلام حکیم، افزون بر مدلول مطابقی، معانی التزامی نیز دارد و هدف آشنا ساختن انسان‌ها با حقایق است.

ازاین‌رو به‌رغم اینکه قرآن از الفاظ و ســـاختارهای متعارف میان انســـان‌ها استفاده می‌کند، لکن در فهم آن باید از ســـاده‌انگاری و تکیه بر معانی سطحی و پیش‌پاافتاده پرهیز کرد (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج۱، ص۹).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

۲-۲. رمزی بودن زبان قرآن

زبان دین و زبان قرآن بر خلاف زبان علوم در بیشتر موارد رمزی و اشاره‌ای است (سروش، ۱۳۷۸، ص۳۳۲). آنچه امروزه در اختیار داریم، مجموعه‌ای از سـمبل‌های معنادار از قرآن است که از آن فرهنگ شفاهی به گونه‌ای حکایت می‌کنند (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹ ش، ص۱۰).

نقد

رمزی دانستن زبان قرآن به این معنا که دلالت‌های ظاهری آیات مقصود نباشد، ادعا ناصواب و بدون پشتوانه نظری بوده (سعیدی‌روشن، ۱۳۸۹، ص۲۵۳ و ۲۵۴) و از چند جهت ذیل اشکال دارد:

الف) تضاد با هدف هدایتگری عمومی قرآن

رمزی دانسـتن زبان قرآن با هدف هدایتگر عمومی آن ناسازگار است؛ زیرا لازمه آن بسته شدن راه دسترسی عموم مردم به شناخت اسـلام و معارف آن از طریق قرآن است و این نوعی نفی شریعت است. هدف قرآن هدایت همگانی مردم اسـت: «ذَلِکَ الْکتَابُ لاَ رَیبَ فِیهِ هُدًی لِّلْمُتَّقِینَ» (بقره: ۲)؛ این آیه شریفه قرآن را به زبان عربی آشکار می‌خواند که با شیوه بیانی نامأنوس و رمزی نمی‌سازد.

ب) تضاد با هماوردخواهی قرآن

اگر زبان قرآن رمزی باشـد، هماوردخواهی آن در آیات متعدد از جمله «قُلْ فَأْتُواْ بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُواْ مَنِ اسْـتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللّهِ إِن کنتُمْ صَادِقِینَ» (یونس: ۳۸) نادرسـت خواهد بود؛ زیرا در صورتی هماوردخواهی درست است که دیگران قرآن را بفهمند و بتوانند برای همانندآوری تلاش کنند؛ ولی موفق نشوند. حال آن رمزی بودن زبان قرآن این اجازه را نمی‌دهد.

بنابراین بیان قرآن رمزی نیست. البته قرآن مانند سخن عقلای دیگر از زبان تمثیل، رمز، کنایه، تشبیه و استعاره و... استفاده کرده است. مانند حروف مقطّعه که در ابتدای برخی از سوره‌های قرآن آمده اسـت (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج۱۸، ص۹). اما این امر به معنـای رمزی بودن بودن زبان قرآن نیست.

۲-۳. تفاوت کارکرد قرآن و علوم

نحوه حیات علمی با نحوه حیات دینی متفاوت است. دنیای علمی پدیده‌های قابل مشاهده و قابل تجربه اسـت (بابور، ص۲۸ و ۱۷۶). دنیای دینی پرسـتش و معنویت است. وظیفه علم پیش‌بینی پدیده‌ها و مهار وقایع اسـت؛ ولی کارکرد دین هدایت و ایجاد روحیه پرسـتش، اطمینان ببخشی، غلبه بر نومیدی شکیبایی برابر ابتلائات است (همان، ۲۸۵). وظیفه دانش بشری کشف واقع است و اصلاً به امور هنجاری و تجویز نمی‌پردازد (پایا، ۱۳۸۵، ص۶۹).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

نقد

نظریه کارکردگرایی نوعی فرار از پاسخ و تسلیم نگرش پوزیتیویستی بوده است (پترسون و همکاران، ۱۳۷۶ ش، ص۲۷۳). افـزون بر ابهام در «نحوه حیات» و «معیار تفکیک حیات‌های متفاوت» که مبنای زبان‌های متفاوت قرار گرفته اسـت، (لاریجانی، ۱۳۷۷، ص۹۷) اشـکال‌های ذیل را دارد: (ر.ک: سعیدی‌روشن، ۱۳۸۸، ص۲۰-۲۴).

اولاً براسـاس این نظریه بسـیاری از گزاره‌های دین و متون دینی را باید غیردینی انگاشت؛ زیرا آیات بسـیاری از وقایع هسـتی و تاریخی خبر می‌دهند که قابل تحویل به اخلاق و توصیه نیستند. البته این آیات صرفاً درصدد بیان یک واقعیت عریان جهان‌بینی نیسـتند، بلکه نتیجه اخلاقی داشته و دینی است.

ثانیاً، انحصار دانش بشری و علوم انسانی به معارف توصیفی درست نیست؛ زیرا بخش مهمی از این دانش توصیه‌ای و هنجاری است. به‌عنوان‌نمونه در دانش سیاسی مسائل توصیه‌ای و هنجاری نیز هست. مانند این که چگونه می‌توان جامعه سیاسی با کیفیت برتر داشته باشیم (واعظی، ۱۳۸۵، ص۸۲).

ثالثاً اسلام وظایف و شئون گوناگونی دارد. قرآن به عنوان متن اصلی اسلام سازگار با این وظایف و متناسـب با هر مقام و برای تأثیر هر چه بیشتر بر مخاطبان خود، از انواع بیان تاریخی، اخلاقی، تربیتی، برهان منطقی استفاده می‌فرماید.

خامساً، این دیدگاه نوعی داوری بر ضدِ داوری است؛ زیرا این ادعا که ساحت دین و متون دینی از سـاحت علوم جدا هسـتند و نمی‌توانند درباره همدیگر داوری کنند، خود یک نوع داوری علم درباره دین است. حال این پرسش مطرح می‌شود که خودِ این قضاوت در چه ساحتی انجام می‌گیرد و دلیل آن چیست؟ (سعیدی‌روشن، ۱۳۸۸، ص۲۱ و ۲۲).

۲-۴. کیفی، هنجاری و فراجهانی بودن گزاره‌های قرآنی

برخلاف علوم انسانی، زبان قرآن کیفی، هنجاری و فراجهانی است و از سخنی که کیفی یا هنجاری و یا فراجهانی باشد، نمی‌توان دیدگاه استخراج کرد.

نقد

اولاً گزاره‌های قرآن منحصر به کیفی و هنجاری و فراجهانی نیست و بسیاری از آنها کمی، این‌جهانی و زمانی اسـت. آیاتی با استفاده از واژگان بیانگر کمیت، مانند «کل»، «بعض» و «اکثر» و ... مسائل را به صورت کمی مطرح می‌فرماید. همچنین انحصار دیدگاه علمی به گزاره‌های کمی نادرست است.

ثانیاً گزاره‌های هنجاری قرآنی بر حقایقی مبتنی اسـت و بین باید و هست‌های آن رابطه وجود دارد؛ در نتیجه از کانال هنجارهای قرآنی می‌توان به بخشی از واقعیت و حقیقت رسید.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

ثالثاً انحصار دیدگاه به گزاره‌های توصیفی درست نیست. استخراج دیدگاه قرآن در مورد حرمت یا وجوب برخی کارها می‌تواند به عنوان نظریه هنجاری مطرح شود.

رابعاً حتی می‌توان نسبت به مسائل فراجهانی نیز دیدگاه داشت. مانند نحوه تأثیرگذاری عالم آخرت در عالم دنیای ماده.

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد نتایج زیر به‌دست می‌آید:

۱. علوم انسانی در صورتی قرآن بنیان خواهد بود که نظریه قرآن کریم درباره مبانی و مسائل آن یا دست‌کم مبانی آن از آیات استخراج شود. علوم انسانی قرآن‌بنیان به این معنا امکان دارد.

۲. قرآن کریم از قلمرو موضوعی گسترده‌ای برخوردار بوده و مسائل علوم انسانی مطرح می‌کند. همچنین شیوه بیان آن نیز کارایی لازم برای ارائه دیدگاه درباره علوم انسانی را دارد. این دو ویژگی زمینه تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان را فراهم کرده است.

۳. روش‌های برون‌متنی مانند «روش انتظار بشر از قرآن» و «روش درون‌نگری» و «بسط تجربه تاریخی قرآن» نارسا بوده و نمی‌توان با استفاده از آنها قلمرو قرآن را حداقلی نشان داد و علوم انسانی را خارج از حیطه قرآن شمرد.

۴. زبان قرآن کریم عرفی یا رمزی و یا صرف هنجاری نیست که نتواند کارایی لازم برای تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان را داشته باشد.

۵. با عنایت به اینکه قرآن کریم منبع معرفتی الهی و یقینی خطاناپذیر است و تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان ممکن است، می‌طلبد که محققان رشته‌های مختلف علوم انسانی در تحقیقات خود، به آن مراجعه کنند و از این کتاب الهی استفاده کنند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

کتابنامه

۱. ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبداللّه. ۱۳۸۰ق. **الشفا**. راجعه و قدّم له، الدکتور ابراهیم مذکور. القاهره.
۲. اسعدی، محمد. ۱۳۸۵. **سایه‌ها و لایه‌های معنایی؛ درآمدی بر «دیدگاه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری»**. قم: بوستان کتاب.
۳. امزیان، محمد. ۱۳۸۰. **روش تحقیق در علوم اجتماعی، از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی**. ترجمه عبدالقادر سواری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. آلوسی، محمود. ۱۴۱۴ق. **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع مثانی**. بیروت: دار الکتب التجاریة.
۵. باربور، ایان. ۱۳۶۲. **علم و دین**. مترجم: بهاءالدین خرمشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۶. بازرگان، مهدی. ۱۳۷۷. خدا و آخرت هدف رسالت انبیا. چ۱. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رساء.
۷. باقری، خسرو. **هویت علم دینی: نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی**. تهران: سازمان چاپ و انتشارت وزارت فرهنگ و ارشات اسلامی.
۸. پایا، علی. ۱۳۸۵. «امتناع و عدم مطلوبیت علم دین» در **علم دینی: دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها و ملاحظات**، به کوشش سیدحمیدرضا حسنی، مهدی علی‌پور، سیدمحمدتقی ابطحی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. توفیق، خالد. ۱۴۲۱ق. «التفسیر الموضوعی، مقارنات بین السید الصدر و آخرین». **الفکر الاسلامی**. ش۲۴ و ۲۵، س۷. رمضان.
۱۰. تهانوی، محمدبن‌علی. بی‌تا. **کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم**. بیروت: دار صادر.
۱۱. جعفری، محمّدتقی. ۱۳۷۳. تفسیر، نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمّد مولوی بلخی. چ۱۲. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۰. «در مکتب استاد جوادی آملی». **کیهان اندیشه**. آذر و دی. ش۳۹.
۱۳. الراغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. ۱۴۱۷ق. **مقدمة جامع التفاسیر**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۴. حسینی بحرانی، سیدهاشم. ۱۴۱۷ق. **البرهان فی تفسیر القرآن**. الطبعة الاول. تهران: مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسة البعثة.
۱۵. حلّی، العلامه. ۱۴۰۷ق. **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**. تحقیق استاد حسن حسن‌زاده آملی. قم: مؤسّسة النشرالاسلامی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

۱۶. دورانت، ویل. بی‌تا. تاریخ تمدن. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات و آموزشی انقلاب اسلامی.
۱۷. راغب الاصفهانی، ابی‌القاسم حسین‌بن‌محمد. ۱۴۰۵ق. **مقدمة جامع التفاسیر**، حققه و قدم له و علق حواشیه احمد حسن فرحسات. ط ۱. کویت: دارالدعوة.
۱۸. رجبی، محمود، مبانی و روش تفسیر موضوعی، تدریس شده در مقطع دکتری رشته تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ترم دوم سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. سروش، عبدالکریم. ۱۳۸۵. «اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی کردن علم»، چاپ شده در: **علم دینی؛ دیدگاه‌ها و ملاحظات**. به کوشش سیدحمیدرضاحسنی، مهدی علی‌پور، سیدمحمدتقی ابطحی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۱. سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۷. «گفتگوی زبان قرآن». **فراراه**. س۱. ش۱. زمستان.
۲۲. سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۸. **بسط تجربه نبوی**. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۲۳. سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۳. **تفرج صنع: گفتارهایی در مقولات اخلاق و صنعت و علوم انسانی**. چ۳. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۲۴. سعیدی روشن، محمدباقر. ۱۳۸۸. «کارکردگرایی در زبان دینی و ارزیابی توفیقات آن». **اندیشه نوین دینی**. پاییز. ش۱۸.
۲۵. سهروردی، شهاب‌الدین. ۱۳۹۶ق. **مجموعه مصنفات شیخ اشراق**. به تصحیح و مقدمه هانری کربن. تهران: انجمن فلسفه ایران.
۲۶. شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۳. **مبانی علوم انسانی اسلامی**. تهران: آفتاب توسعه.
۲۷. شیرازی، صدرالدین محمدبن‌ابراهیم. ۱۳۴۶ق. الشواهد الربوبیة. تعلیق، تصحیح و مقدمه سیدجلال‌الدین آشتیانی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
۲۸. صدوق، محمدبن‌علی، ۱۳۷۸ق. **عیون أخبار الرضا**. تهران.
۲۹. صفار القمی، محمدبن‌حسن‌بن‌روح. ۱۴۰۴ق. **بصائر الدرجات**. تعلیق محسن کوچه‌باغی. قم: مکتبة آیةالله العظمی النجفی.
۳۰. طباطبایی، السیدمحمدحسین. ۱۴۱۷ق. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعة مدرسین حوزه علمیه قم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

۳۱. طوسی، ابوجعفر محمّدبن‌الحسن. ۱۴۰۰ق. الاقتصاد: **الهادی الی طریق الرشاد**. تهران: منشورات چهلستون.
۳۲. عبدالرازق، علی. بی‌تا. الاسلام و اصول الحکم. بیروت، تونس: داراالمعارف للطباعة و النشر.
۳۳. عروسی الحویزی، علی‌بن‌جمعه. ۱۳۷۳ش. **تفسیر نورالثقلین**. صحّحه و علّق علیه السیدهاشم الرسولی. ط۴. قم: مؤسّسة اسماعیلیان.
۳۴. فارابی، ابونصر محمّد. ۱۳۶۱. اندیشه‌های اهل مدینه فاضله. ترجمه سیدجعفر سجادی. چ۲. تهران، کتابخانه طهوری.
۳۵. فروند، ژولن. ۱۳۷۲. **نظریه‌های مربوط به علوم انسانی**. ترجمه علی‌محمد کاردان. چ۲. تهران: مرکز دانشگاهی.
۳۶. قندوزی، سلیمان‌بن‌ابراهیم. ۱۴۱۶ق. **ینابیع الموده لذوی القربی**. ط۱. تهران: دارالاسوه للطباع و النشر.
۳۷. کریمی، مصطفی. ۱۴۰۰. «ظرفیت زبان‌شناختی قرآن برای تولید علوم انسانی». **اندیشه نوین اسلامی**. تابستان. ص۳۵-۵۸.
۳۸. کریمی، مصطفی. ۱۳۹۰. **جامعیت قرآن؛ پژوهشی در قلمرو موضوعی قرآن کریم**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۹. کلینی، محمّدبن‌یعقوب. ۱۳۶۷. **الکافی**. مصحح: علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۰. گلشنی، مهدی. ۱۳۷۷. **از علم سکولار تا علم دینی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۱. گلشنی، مهدی. ۱۳۶۹. **تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدانان معاصر**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۲. لاریجانی، محمدصادق. ۱۳۷۷. «زبان دین و زبان علم (فدئیسم ویتگنشتاین)». **فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه سابق)**. پاییز و زمستان، ش۱۶ و ۱۷.
۴۳. لگنهازن، محمد. ۱۳۷۵. «اقتراح انتظار بشر از دین». **نقد و نظر**. س۲، ش۲، بهار، مسلسل ۶.
۴۴. مجتهد شبستری، محمد. ۱۳۷۹. «پرواز در ابرهای ندانستن»، **کیان**. ش۵۲.
۴۵. مجلسی، محمّدباقر. ۱۳۷۰ش. **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**. چ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

۴۶. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۹. **درباره پژوهش**. تحقیق جواد عابدینی. چ۱. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۷. ـــــــــــــــــ ۱۳۹۲. **رابطه علم و دین**. تحقیق و نگارش: علی مصباح. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۸. ـــــــــــــــــ ۱۳۹۵. **راه و راهنماشناسی**. بازنگری و تصحیح مصطفی کریمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۹. ـــــــــــــــــ ۱۳۸۶. **قرآن‌شناسی**. ج۲. تحقیق و نگارش غلامعلی عزیزی‌کیا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۰. ـــــــــــــــــ ۱۳۷۵. «میزگرد زبان دین». **معرفت**. ش۱۹. س۵. زمستان.
۵۱. مکلیان، مصطفی. «اقتراح انتظار بشر از دین». ۱۳۷۵. **نقد و نظر**. س۲. ش۲. بهار. مسلسل ۶.
۵۲. ملکیان، مصطفی. ۱۳۷۸. «تأملاتی چند در باب امکان و ضرورت اسلامی شدن دانشگاه». **نقد و نظر**. س۵. ش۳و۴. تابستان و پاییز.
۵۳. میرباقری، محمدمهدی. ۱۳۸۷. **گفتگوی علمی پیرامون مفهوم علم دینی**. قم: فجر ولایت.
۵۴. واعظی، احمد. ۱۳۸۵. «نقد دیدگاه امتناع و عدم مطلوبیت علم دین» در **علم دینی: دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها و ملاحظات**. به کوشش سیدحمیدرضا حسنی، مهدی علی‌پور، سیدمحمدتقی ابطحی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]